



A rare Manuscript of Muhammad Qutb Shah's Poems

 Hoda Seyed Hosseinzadeh¹

Submitted: 2025-01-06 Revised: 2025-03-10 Accepted: 2025-07-19 Published: 2025-09-23 pp.100-123

Abstract

This article is dedicated to the introduction and examination of a manuscript containing a selection of Persian poems by Muhammad Qutb Shah (r: 1020-1035 AH), dating back to the early 11th century AH. The manuscript, written on 19 folios (38 pages), is the only extant copy of this work, which has not yet been critically edited. Preserved in the Library of the Islamic Consultative Assembly under the title "*Divan-e Zillallah*," this manuscript remains unpublished. In addition to introducing and analyzing the manuscript, this study explores the literary persona of its author and concludes with a critical edition of a sample of his poetry.

The research method employed in this article is descriptive-analytical, relying on the manuscript and library resources. The findings suggest that the title "*Divan-e Zillallah*" is inaccurately applied to this manuscript, which should instead be considered a selection of Muhammad Qutb Shah's poems. Based on the physical condition of the manuscript and the handwriting of its previous owner, it can be conjectured that the manuscript was transferred from the Deccan to Iran, specifically to the city of Mashhad, where it was preserved under favorable conditions. Furthermore, an analysis of the manuscript's content reveals Muhammad Qutb Shah's proficiency and familiarity with the Persian language. His elegies, in particular, reflect his intellectual framework and the influence of Iranian and Islamic culture and civilization in the Qutb Shahi dominion.

Keyword: Manuscript, Manuscript research, *Zillallah*, selection, Muhammad Qutb Shah.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1. (Corresponding author). Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature in the Subcontinent. The Academy of Persian Language and Literature. Tehran. Iran.



References:


- Ansari, Sharif al-Nisa (n.d.), Introduction to Hadaïq al-Salatin fi Kalam al-Khawaqin (see: below).
- Bastami, Ali ibn Tayfur (n.d.), Hadaïq al-Salatin fi Kalam al-Khawaqin, edited by Sharif al-Nisa Ansari, Hyderabad, Osmania University.
- Fereshteh, Muhammad Qasim Hindushah (2014), History of Fereshteh, edited by Muhammad Reza Nasiri, Tehran: Association of Cultural Works and National Heritage.
- Ghane'i, Saeed (2014), Instead of an Introduction, Divan of Mohtasham Kashani, edited by Saeed Ghane'i, Tehran, Peyman.
- Heravi, Nizam al-Din Ahmad (1931), Tabaqat Akbari, edited by BD and Mohammad Hedayat Hossein, Bengal: Asiatic Society of Bengal.
- Hig, Wellesley, Footnote, Muntakhab al-Lubab (see also: the same sources: Khafi Khan).
- Kamgar Hosseini, Khwaja (1978), The Works of Jahangiri, Introduction, Margins, and Annotations by Azra Alavi, Ali Gadeh: Asia House.
- Khafi Khan, Muhammad Hashim Khan Nizam al-Mulk (1925), Muntakhab al-Lubab, vol. 3, edited by Sir Wolseley Haig, Calcutta: Asiatic Society of Bengal.
- Majumdar.R.C, (1974), The Mughul Empire, Bombay: Bharatiya Vidya Bhavan.
- Mohammad Qutb Shah, (Manuscript), Divan of Zillullah, No. 2458, Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Mohtasham Kashani, Maulana Kamal al-Din Ali (2014), The Divan of Mohtasham Kashani, edited by Saeed Ghanei, Tehran, Peyman.
- Mojahedi (Parvaneh), Mohammad Ali (2007), The Caravan of Ashura Poetry, Qom, Zamzam Hedayat.
- Munshi Qader Khan (1306 AH), History of Qutb Shahi, edited by Seyyed Burhanuddin Ahmad, Hyderabad Deccan: Burhaniyah Press.
- Nahavandi, Abd al-Baqi (1925), The Works of Rahimi, edited by Mohammad Hedayat Hossein, Calcutta: Asiatic Society of Bengal.



- Nava'i, Abd al-Husayn and Mehri Sadri (2001), Introduction to the Seven Divans of Mohtasham Kashani, Tehran, Written Heritage.
- Rastkar, Fakhri (1968), Catalogue of the Library of the National Consultative Assembly, Tehran: Publications of the Library of the National Consultative Assembly.
- Razavi, Mir Saadat Ali (1357 AH), Kalam al-Muluk, Hyderabad Deccan: Deccan Publications Board.
- Razieh Akbar (1973), "The Influence of Persian Language and Literature in the Qutb Shahi Domain (South India)", Vahid, No. 2, 11th Year, pp. 179-189.
- Saedi Shirazi, Mirza Nizam al-Din Ahmad ibn Abdullah (1961), Hadiqat al-Salatin, edited and annotated by Ali Asghar Belgurami, Hyderabad Deccan: Series of Publications of the Urdu Literature Department.
- Safa, Zabihullah (1983), History of Literature in Iran, Tehran, Authors and Translators Company of Iran.
- Sajjadi, Sayyid Sadiq (2019), States and Dynasties Ruling the Islamic Realm, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications in cooperation with Sokhan Publications.
- Sherwani, Haroon Khan (1974), History of the Qutb Shahi Dynasty, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers & Pvt. Ltd.
- Shushtari, Mir Abu al-Qasim Razi al-Din ibn Nur al-Din Musavi (1309 AH), Hadiqat al-Alam, edited by Sayyid Abd al-Tayyib Shirazi, Hyderabad Deccan: Sayyidi Press.
- Zambaur (1977), Nasabnama-ye Khulafa wa Shariaran, translated by Muhammad Jawad Mashkur, Tehran: Khayyam Bookstore.



نسخه‌ای منحصر به فرد از اشعار محمد قطب‌شاه

هدی سیدحسین‌زاده^۱ 

از صفحه ۱۰۰ تا صفحه ۱۲۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

این مقاله به معرفی و بررسی نسخه خطی گزیده‌ای از اشعار فارسی محمد قطب‌شاه (حک: ۱۰۳۵ - ۱۰۲۰ق) متعلق به اوایل قرن ۱۱ق که در ۱۹ برگ (۳۸ صفحه) کتابت شده، اختصاص یافته است. تنها نسخه موجود از این اثر که تاکنون تصحیح نشده است با عنوان «دیوان ظل‌الله» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این پژوهش افزون بر معرفی و بررسی این نسخه؛ به شخصیت ادبی خالق آن پرداخته و با تصحیح انتقادی نمونه‌هایی از اشعار او به پایان می‌رسد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با استناد به نسخه خطی و منابع کتابخانه‌ای است و دستاورد پژوهش حاکی از آن است که اطلاق نام «دیوان ظل‌الله» بر این دست‌نوشته صحیح نیست و در واقع باید آن را گزیده‌ای دانست از اشعار محمد قطب‌شاه. با توجه به کیفیت فیزیکی نسخه و دست‌نوشته مالک پیشین آن می‌توان احتمال داد که نسخه از دکن به ایران و شهر مشهد منتقل و در شرایط مناسبی نگهداری شده است. افزون بر این، بررسی محتوای نسخه نشان از آشنایی و تبحر محمد قطب‌شاه به زبان فارسی دارد و مرثیه‌های او نیز بیانگر ساختار فکری شاعر و نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در قلمرو قطب‌شاهیان است.

کلید واژه: نسخ خطی، نسخه‌شناسی، ظل‌الله، گزیده، محمد قطب‌شاه، دکن.

Cite this article: Hoda Seyed Hosseinzadeh. (2025). A rare Manuscript of Muhammad Qutb Shah's Poems. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣṭīh-i mutūn). Vol-5, Issue-1, 100-123. <https://doi.org/10.22034/crtc.2025.497864.1180>

۱. (نویسنده مسؤول). استادیار گروه زبان و ادب فارسی در شبه قاره. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران. ایران.



۱- مقدمه

قطب‌شاهیان یکی از پنج سلسله مسلمانان بودند که بر بخشی از شرق فلات دکن با مرکزیت کلگنده و سپس حیدرآباد حکمروایی داشتند. در دوره حکومت این سلسله، هم‌زمان با گسترش اعتقادات شیعی‌گری، فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان و ادب فارسی نیز گسترش یافت تا جایی که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار در آمد. از آنجا که قسمت اعظم آموزش و تربیت پادشاهان قطب‌شاهی بر عهده استادان و مریبان ایرانی بود، آنها به‌خوبی فارسی را آموختند و حتی برخی که ذوق شعر نیز داشتند به فارسی شعر سرودند. یکی از این پادشاهان فرهنگ دوست و شاعر، محمد قطب‌شاه (حک: ۱۰۳۵ - ۱۰۲۰ ق) بود.

هدف از این پژوهش در درجه نخست معرفی و بررسی دست‌نوشته‌گزیده‌ای از اشعار فارسی محمد قطب شاه است و این مقاله می‌تواند بجز معرفی این نسخه گامی باشد جهت استفاده از آن برای علاقمندان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف از جمله نسخه‌شناسی، شعر و ادب فارسی، مطالعات تاریخی و مذهبی. از دیگر اهداف این پژوهش یافتن پاسخ به این پرسش است که به لحاظ ادبی این اشعار از چه مرتبه‌ای برخوردار و محتوا و ساختار فکری سراینده آن چگونه است؟ در این مقاله نخست نسخه مورد نظر معرفی و سپس به لحاظ محتوای اثر مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن با صرف نظر کردن از جزئیات و مباحث سیاسی دوره محمد قطب شاه به معرفی چهره فرهنگی و فعالیت‌های ادبی او می‌پردازد. در پایان نیز برای آشنایی خوانندگان با سبک و نوع شعر این پادشاه شاعر، گزیده‌ای از اشعار او که در این نسخه آمده، تصحیح و ارائه شده است.

۲- روش پژوهش

در پژوهش تلاش شده با استناد و بررسی و تحلیل دست‌نوشته مورد نظر از دیگر منابع اصلی و مطالعات پیرامون این موضوع نیز به روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای (میان داده‌های منابع مختلف) استفاده شود. برای تصحیح اشعار برگزیده نیز از آنجا که فقط یک نسخه خطی از این اثر در دست بود از منابع دیگر استفاده شد که در قسمت «نکاتی در تصحیح ابیاتی از نسخه» (نک: پس از این) شرح داده شده است.

۳- پیشینه تحقیق

بررسی کتاب‌شناسی و جستجو در منابع و پایگاه‌های نسخ خطی فارسی نشان می‌دهد که تاکنون این نسخه معرفی، بررسی و تصحیح نشده و به عبارتی برای نخستین بار است که این پژوهش صورت می‌گیرد. قابل ذکر است به‌نوشته رضوی (۱۳۵۷ ق، ۵) پیش از این مجموعه‌ای از اشعار فارسی محمد قطب‌شاه از روی یک نسخه قدیمی که رضوی بدان اشاره نکرده، به‌کوشش سید ابرار حسین نوگانوی، ساکن حیدرآباد دکن در تاریخ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۴۵ ق تحریر شده بود که مشتمل بر یک حمد، یک نعت، یک منقبت، یک غزل، ۷ رباعی و ۲ بند مرثیه بود. با وجود جستجو، متأسفانه نسخه‌ای از این تحریر بدست نیامد، اما کتاب کلام الملوک نگاشته رضوی (۱۳۵۷ ق) یکی از منابع مهمی است که



ضمن شرح حال محمد قطب‌شاه، اشعاری از او را نیز آورده که در این مقاله برای تکمیل اشعار ناقص مندرج در این نسخه بسیار مفید فایده بود. گفتنی است یکی از مزایای کلام‌الملوک، اشاره محدود رضوی به منابع مورد استفاده خود برای تألیف کتابش است که می‌تواند برای پژوهشگران به مثابه راهنمایی جهت شناسایی منابع دیگر باشد.

منبع مهم دیگر حدایق السلاطین فی کلام الخواقین اثر علی بن طیفور بسطامی است که از مورخان و ادیبان نامور دربار عبدالله قطب‌شاه (حک: ۱۰۸۳-۱۰۳۵ ق) و جانشین او ابوالحسن قطب‌شاه (حک: ۱۰۹۸-۱۰۸۳ ق) بود که کتاب خود را در ۱۰۹۲ ق نگاشته است. بسطامی در بخشی از این کتاب ضمن شرح احوال محمد قطب‌شاه، گزیده‌ای از اشعار او را به عنوان نمونه ذکر کرده است (نک: بسطامی، بی‌تا، ۱۰۴-۱۰۱). گرچه شرح حال محمد قطب‌شاه در این اثر بسیار مختصر و فاقد ارجاع به منابع مورد استفاده مؤلف است اما از آنجا که برخی از این اشعار با اشعار مندرج در نسخه مورد بحث این مقاله همپوشانی دارد، برای مقابله اشعاری که در پایان این پژوهش تصحیح شده، مورد استفاده قرار گرفت.

در خصوص اوضاع فرهنگی دوره محمد قطب‌شاه و شخصیت ادبی او که در این پژوهش ضمن شرح حال او اشاره‌ای مختصر بدان شده، با اینکه کتاب و مقالاتی به زبان انگلیسی، اردو و فارسی در باره این سلسله به چاپ رسیده، اما بیشتر این تحقیقات بر فعالیت‌ها و مواضع سیاسی، اعتقادات مذهبی و فعالیت‌های تجاری قطب‌شاهیان متمرکز بوده و به امور فرهنگی و از جمله محمد قطب شاه کمتر توجه شده و در باره این گزیده اشعار او نیز اطلاعاتی بدست نمی‌دهند که شاید بتوان برای آشنایی خوانندگان به دو اثر ذیل اشاره کرد:

تاریخ سلسله قطب‌شاهی اثر هارون خان شروانی (۱۹۷۴) گرچه در زمره مفصل‌ترین آثاری است که درباره قطب‌شاهیان به چاپ رسیده است اما از آنجا که رویکرد شروانی در این اثر بررسی و تحلیل تاریخ سیاسی این سلسله بوده، به اشاره‌ای مختصر به اوضاع فرهنگی دوره قطب‌شاهیان بسنده کرده است.

پژوهش دیگر مقاله‌ای است نگاشته رضیه اکبر (۱۳۵۲) با عنوان «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو قطب‌شاهی (جنوب هند)». در این مقاله نویسنده با نگاهی اجمالی ضمن بررسی مختصر وضعیت زبان و ادب فارسی این دوره پرداخته اما پس از ذکر محمدقلی قطب‌شاه و نقش او در شعر و ادب زمانه خود از اشعار و آثار ادبی جانشین او محمد قطب‌شاه سخنی نبرده است. نکته قابل توجه در این مقاله نقل قولی است که مؤلف از مولوی عبدالحق کرده که بر اساس آن محمد قطب شاه دیوان فارسی محمد قلی قطب‌شاه را در ۱۰۲۵ ق ترتیب داده بود (رضیه اکبر، ۱۳۵۲، ۱۸۸). با توجه به لغزشی که در برخی مأخذ در باره دوره حکومت محمد قطب‌شاه وجود دارد و در کل این دوره را نادیده گرفته‌اند (نک: زامباور، ۱۳۵۶، ۴۴۰؛ سجادی، ۱۳۹۸، ۶۱۹) و با توجه به اینکه رضیه اکبر در مقاله خود به محمد قطب‌شاه به گونه مستقل اشاره نکرده، احتمال دارد او نیز دوره پادشاهی محمد قطب شاه را که از ۱۰۲۰ ق آغاز شده، تداوم دوره حکمروایی محمد قلی قطب‌شاه دانسته باشد، مگر اینکه این فرض را در نظر داشته باشیم که پس از درگذشت محمد قلی قطب‌شاه (۱۰۲۰ ق) جانشین او محمد قطب‌شاه اشعار او را گردآوری و مرتب کرده باشد.



۴- معرفی نسخه

«دیوان ظل‌الله» عنوان نسخه‌ای است در ۱۹ برگ (۳۸ صفحه) از اشعار محمد قطب‌شاه که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ثبت ۶۱۷۸۸ و شماره بازبایی ۲۴۵۸ نگهداری می‌شود. نکته مهم در خصوص نام نسخه اینکه گرچه نام «ظل‌الله» برگرفته از تخلص محمد قطب‌شاه است اما با توجه به حجم کم نسخه و مقایسه آن با دیگر اشعار و ابیات او که در منابع و تذکره‌های تاریخی و ادبی آمده، اطلاق نام «دیوان» بر این نسخه صحیح نیست. البته می‌دانیم که در برخی تذکره‌های ادبی یا منابع کتابشناسی از جمله الذریعه آقا بزرگ تهرانی گاه چند بیت از یک شاعر را نیز با عنوان «دیوان» او معرفی کرده‌اند و شاید عنوان «دیوان» نیز به همین سبب به نسخه مورد نظر ما در این مقاله نهاده شده است. به هر روی با توجه به دیگر موارد پیشگفته شاید عنوان «گزیده اشعار ظل‌الله» برای این نسخه بتواند بیشتر حق مطلب را ادا کند. قابل ذکر است که در فهرست کتابخانه مجلس این نسخه با عنوان «دیوان ظل‌الله دکنی» معرفی شده که با عنوان شناسنامه نسخه به ثبت رسیده، اندکی تفاوت دارد. البته فهرست‌نگار در شرح نسخه خاطر نشان کرده که این اثر منتخبی است از اشعار محمد قطب‌شاه (راستکار، ۱۳۴۷، ج ۱، ۵۸، ۸).

تاریخ استنساخ نسخه مشخص نیست اما متن و مهوری ترنج شکل به نام سلطان محمد قطب شاه با تاریخ سنة ۱۰۲۰ ق در پشت برگ اول زده شده که نشان می‌دهد نسخه متعلق به اوایل قرن ۱۱ ق است. نسخه فاقد ترقیمه است و نام کاتب آن مشخص نیست.

آغاز کامل است و پس از «توحید باری تعالی» این بیت آمده است:

یارب چو برتری تو ز وصف لسان ما پنهان شده ز شرم زبان در دهان ما

در پایان نسخه این بیت آمده است:

از پی آن سرور هفتم امام هشتمین کز رضای حق طلب کردن لقب گشتش رضا

به یقین خاتمه نسخه ناقص است زیرا در صفحه پیش از پایان، شعری با عنوان «در ذکر حضرات چهارده معصوم» و با ذکر حضرت محمد (ص) آغاز شده که شاعر در آن به ترتیب از امامان معصوم نام برده و در وصف هر یک، خصایص بارز آنها را ستوده است، اما وقتی به امام هشتم، حضرت امام رضاع) رسیده، نسخه به انتها می‌رسد. با توجه به روال معمول اشعاری با این مضامین که شاعران، ترتیب سلسله ائمه شیعیه را رعایت کرده و تا آخر اسامی آنها را می‌آورند و همچنین با توجه به اشعار دیگر همین گزیده که محمد قطب‌شاه در انتهای هر قطعه تخلص خود را آورده اما در اینجا تخلصی به چشم نمی‌خورد، می‌توان نتیجه گرفت که شعر به پایان نرسیده و بنابراین نسخه ناقص مانده است.



خط نسخه نستعلیق با کتابت زیبا، عنوان‌ها با لاجورد و تخلص‌ها (ظل‌الله- سلطان) با زر است و بعد از برگ ۳ نسخه افتادگی دارد. چنانکه اشاره شد مَهْری ترنج شکل با نام سلطان محمد قطب شاه (مقایسه کنید: راستکار، ۸، ۱۳۴۷، ۱۵۸ که به اشتباه نام سراینده اشعار را محمد قلی قطب‌شاه نوشته است) به تاریخ سنة ۱۰۲۰ ق و دو تاریخ تولد و مَهْر رحیم‌الشریف در پشت برگ اول وجود دارد. اندازه نسخه ۱۷۹ × ۱۰۰ میلیمتر، جلد زری آبی، سجاف و عطف تیماج قرمز، کاغذ سمرقندی آبی، زرفشان غبار، چهار برگ اول متن دارای حاشیه، بالای ورق‌ها آبدیده، جدول زر و الوان، برگ‌های ۱-۵، ۲-۶ دارای حاشیه تشعیرسازی مذهب، سر لوح مذهب (ص، ۵، ۱) که به شکل محراب با طرح دو پر بر سر آن است. با احتساب شماره‌گذاری که به رنگ قرمز از پشت برگ اول آغاز شده، تعداد برگ‌ها ۳۸ صفحه است. قابل ذکر است که شماره‌گذاری‌ها دو بار با همین رنگ قرمز در بالای برگ‌ها قابل مشاهده است که می‌تواند حکایت از بازبینی مجدد شمارش صفحات داشته باشد. اندازه نوشته ۱۰۰ × ۵۰ میلیمتر است و به نظر می‌رسد کاتب هر برگ را برای ۸ سطر (۴ بیت) در نظر گرفته بود اما این نظم و ترتیب به اقتضای درج عنوان‌ها یا مرمت نسخه که در ذیل بدان اشاره خواهد شد، در تمام برگ‌ها رعایت نشده است. نسخه در برخی صفحات دارای رکابه و در برخی دیگر فاقد آن است که می‌تواند دلیل دیگری باشد بر مرمت نامنظم و ناقص نسخه. بررسی‌های کلی نشان می‌دهد با وجود اینکه نسخه از خطر شرایط جوی و آب و هوایی شبه‌قاره و آسیب‌های ناشی از حشرات و موربانه در امان بوده که این خود بر سپری شدن بیشتر عمر این نسخه در ایران دلالت دارد، اما علائم آب خوردگی و رطوبت در گوشه‌های سمت راست و چپ بالای صفحه ۹ تا انتهای نسخه که در صفحات پیش به چشم نمی‌خورد، نشان از آسیبی دارد که بر نسخه وارد شده است. همچنین زمینه و اختلاف رنگ هشت صفحه نخست نشان می‌دهد طی روند ترمیم، این برگ‌ها از نسخه آسیب‌دیده جدا و پس از چسباندن به کاغذی سالم دوباره به نسخه متصل شده‌اند.

۵- متن شناسی

بر اساس متن و مَهْر ترنج شکل ذیل که با نام سلطان محمد قطب شاه و به تاریخ ۱۰۲۰ ق در بالای صفحه اول نسخه زده شده، می‌توان تا حدودی تاریخ اشعار مندرج در نسخه را حدس زد.

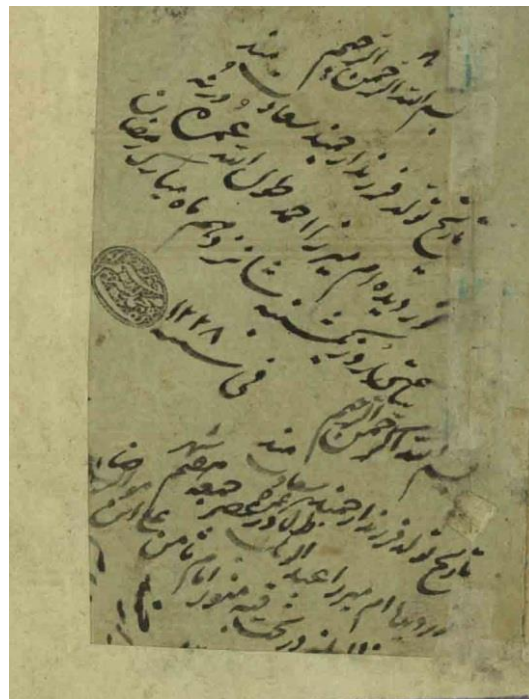


چنانکه می‌دانیم تاریخ ۱۰۲۰ ق مصادف با پایان دوره حکومت محمد قلی قطب شاه و آغاز دوره پادشاهی محمد قطب شاه



(حک: ۱۰۳۵-۱۰۲۰ق) است و با فرض بر اینکه تاریخ فوق (۱۰۲۰ق) تاریخ صحیح کتابت نسخه باشد، می‌توان این احتمال را متصور شد که محمد قطب‌شاه اشعار مندرج در این نسخه را پیش از جلوس بر تخت پادشاهی یا در همان سال سروده باشد.

در همین صفحه اول، دو عبارت مجزا مبنی بر تاریخ تولد دو تن نوشته شده است که اولی تاریخ رمضان ۱۲۲۸ق را بر خود دارد و دومی که به سبب آسیب نسخه و افتادگی کلمات فقط «روز جمعه هفتم شهر» آن قابل خواندن است و چند کلمه بعد از آن غیر قابل خواندن و پس از آن عبارت «تحت قبة منور امام ثامن علی بن موسی الرضا» (ع) آمده است. گرچه تاریخ عبارت دوم مشخص نیست اما به نظر می‌رسد متولدین نامبرده فرزندان مالک نسخه باشند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است اینکه به استناد تاریخ‌های فوق، نسخه در زمانی کتابت شده که هنوز شاعر این اشعار یعنی محمد قطب‌شاه بر تخت پادشاهی بود و بنابراین نسخه به لحاظ قدمت بسیار ارزشمند است.



یادداشت‌ها و مهر پشت صفحه اول

اشعار این نسخه مشتمل است بر:

قطعه در «توحید باری تعالی» (ص، ۳-۱) در ستایش پروردگار؛ «نعت سلطان انبیاء» (ص، ۴) که فقط عنوان آن آمده و کل اشعار این قسمت افتادگی دارد. البته در ادامه یک بیت (ص، ۵) نوشته شده که به نظر می‌رسد به لحاظ محتوا ارتباطی با این عنوان نداشته باشد؛ ترکیب بند در مرثیه امام حسین (ع) (ص، ۲۳-۶)؛ غزل‌ها و رباعیات (ص، ۳۷-۲۳) و قطعه در «ذکر



چهارده معصوم» (ص، ۳۷-۳۸). گفتنی است در پایان هر شعر شاعر از دو تخلص «ظل الله» و «سلطان» برای خود استفاده کرده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود در این گزیده مرثیه در شهادت امام حسین (ع) و یاران او و شرح واقعه کربلا و عزاداری ماه محرم سهم بیشتری را نسبت به دیگر اشعار محمد قطب شاه به خود اختصاص داده، در حالی که شکوه از روزگار، ذکر چهارده معصوم و ابیات عاشقانه نیز در آن به چشم می‌خورد.

نکته دیگر اینکه برخی از اشعار مندرج در نسخه نیز ناقص آمده است، چنانکه در شعری که با عنوان «در نعت سلطان انبیاء» (ص، ۳) آمده، فقط این بیت:

با این همه از مرتبت عالی عشق زین پیش امید سرفرازی داریم

(ص، ۴)

که به نظر می‌رسد ارتباطی نیز با عنوان فوق ندارد، نگاشته شده است. با توجه به این مهم به یقین ابیات مرتبط با عنوان ذکر شده در ادامه آن نیامده و این قسمت نیز افتادگی دارد و احتمالاً بیتی دیگر از این شاعر جایگزین آن شده است. مورد دیگر در این خصوص این دو بیت است که در پایان صفحه ۳۴ آمده:

عجب رعنا و زیبایی چه گویم به خوبی عالم آرائی چه گویم
منور از تو گردیدست چشمم تو ز نور چشم بینایی چگویم

(ص، ۳۴)

که با توجه به رکابۀ پایان همین صفحه که کلمات «به فکر» را دارد، بیت بعدی باید با این کلمه و چنین آغاز شود:

به فکر هیچ دانا در نیایی عجب نازک معمائی چه گویم^۱

در حالی که این بیت در صفحه بعد آمده:

همچو ظل الله یابی شاه راهی از بهشت گر بدانی بعد پیغمبر علی را مقتدا

(ص، ۳۵)

^۱ . نک: رضوی (۱۳۵۷ق، ص، ۸۵).



در اینجا نیز چنانکه مشاهده می‌شود ادامه شعر ناقص مانده و بی‌تی دیگر که کاملاً به لحاظ مضمون و قافیه با ابیات قبلی تفاوت دارد، نوشته شده است. به نظر می‌رسد عامل این خطاها را باید احتمالاً مرمت نسخه و بی دقتی در متصل کردن برگ‌ها دانست.

به لحاظ محتوای اشعار مندرج در این دست‌نوشته نیز باید خاطر نشان کرد گرچه از جهت فنون شعری و ادبی قابل قیاس با اشعار سروده شده شاعران بنام دوره مورد بحث نیست، اما از منظر ارزش معنوی می‌توان آن را به مثابه میراثی کهن از دست‌نوشته‌های فارسی در شبه قاره و نشان دهنده گستره فرهنگ و تمدن ایرانی و خلق اثری در ادبیات فارسی در این دیار دانست، ضمن اینکه بر فارسی دوستی قطب‌شاهیان صحه گذاشته و نشان می‌دهد علاقه آنان به زبان فارسی به حدی بوده که پادشاهی ترک‌تبار و زاده هند اشعار خود را نه به زبان ترکی و دکنی که به زبان شیوای فارسی سروده است.

نکته دیگر اینکه آیا این نسخه در هند کتابت شده یا ایران؛ مسافری آن را به پیشکش عزیزی از هند به ایران آورده یا مورد پسند تاجری بوده که در سفرش به دکن آن را تهیه و با خود به ایران آورده، بر ما روشن نیست، اما با توجه به یادداشت‌های صفحه اول که بر مالکیت نسخه دلالت دارد و متن کوتاه آن که در بارگاه امام هشتم شیعیان نگاشته شده و با توجه به شیعه بودن پادشاهان قطب‌شاهی و دل بستگی بسیار آنها به خاندان اهل بیت، می‌توان احتمال داد نخست نسخه در دکن کتابت و سپس از طریق مسافر یا زائری که برای زیارت به مشهد مقدس سفر کرده بود، به ایران منتقل شده باشد. یکی دیگر از مواردی که در این نسخه چشمگیر است اشارات شاعر است به داستان‌های تاریخی که بر علاقه او به تاریخ و مطالعه آن (نک: پس از این) دلالت دارد. به عنوان نمونه می‌توان به این ابیات اشاره کرد:

محمود چو از ایاز شد گرم نیاز خوش روشنی یافت ازین سوز و گداز
بین فیض محبت که پس از چندین قرن گرمست همان قصه محمود و ایاز

(ص، ۲۷)

همچنین اعتقادات مذهبی، اهمیت واقعه کربلا نزد شیعیان دکن و سلاطین قطب‌شاهی از دیگر موضوعاتی است که که نزد شاعر نسبت به دیگر مفاهیم ارجحیت داشته و نمود بارز آن در مرثیه‌های این گزیده است که حکایت از تأثیرپذیری او از پیشکسوتان این نوع شعر، به ویژه محتشم کاشانی (وفات: ۹۹۶ق) شاعر برجسته دوره صفوی دارد. قابل اشاره است که ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی که در دوازده بند و در ذکر مناقب، مکارم و مصائب امام حسین (ع) و واقعه کربلا سروده شده بود در زمان خود از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفت و در سرزمین‌های مختلف از جمله شبه‌قاره طرفدارانی یافت (مجاهدی، ۱۳۸۶، ۱۵۵؛ قانعی، ۱۳۹۳، ۹). محتشم کاشانی خود نیز به شبه‌قاره علاقمند بود و تجلی اندوه و تأسف او از ناکامی سفرش به هند را می‌توان در اشعاری که به هند ارسال کرد، مشاهده نمود (نویسی و صدری، ۱۳۸۰، ۳۹-۴۰؛



مجاهدی، ۱۳۸۶، ۱۵۵؛ قانعی، ۱۳۹۳، ۹-۸). از میان این اشعار می‌توان از قصایدی در مدح مرتضی‌نظام‌شاه؛ ستایش جلال‌الدین اکبرشاه و یوسف عادل‌شاه اشاره کرد (ر.ک: محتشم کاشانی، ۱۳۹۳، ۷۹-۸۶، ۹۳-۹۲). در گذر زمان ترکیب‌بند محتشم کاشانی به عنوان سرمشق و الگوی شاعران برای مرثیه‌سرایی در عاشورای حسینی در آمد، چنانکه قصیده‌ای فارسی از محمد قلی قطب‌شاه که در مرثیه کربلا سرود (رضوی، ۱۳۵۷ق، ۵۴ ب- ۵۴ الف) از همین الگو تأثیر پذیرفته است. در دوره‌های بعد نیز شاعرانی چون میر بیر علی انیس مشهور به میر انیس (وفات: ۱۲۹۱ق) و میرزا سلامت علی دبیر متخلص به «دبیر» (وفات: ۱۲۹۲ق) که هر دو در زمره مرثیه‌سرایان مشهور شبه‌قاره محسوب می‌شوند، متأثر از اشعار محتشم مرثیه‌هایی سرودند. ناگفته نماند با وجود مرتبه و جایگاه اشعار شاعران پیرو محتشم کاشانی، هیچ‌یک از آنها نتوانستند به درجه او در این زمینه دست یابند و به نوشته صفا (ج ۶، ۶۲۴) ترکیب‌بند محتشم کاشانی همچنان بهترین و مؤثرترین آنها شناخته می‌شود.

۶- نفاست و اهمیت نسخه

چنانکه اشاره شد تاریخ نسخه بر اساس یادداشت مالک آن (۱۰۲۸ق) هم‌زمان با تاریخ حیات شاعر یعنی محمد قطب‌شاه است و به همین سبب این نسخه به لحاظ قدمت منحصر به فرد است. اجزای هنری نسخه شامل خط خوش، تذهیب، تشعیر و جلدسازی است که هر یک به نوبه خود نمایانگر هنر هنرمندان این دوره است و می‌تواند به عنوان نمونه‌هایی برای پژوهش و مطالعه تاریخ هنر، خوش‌نویسی، نقاشی و جلدسازی مورد استفاده پژوهشگران این حوزه باشد. همچنین مرغوبیت کاغذ و سلامت نسخه که با وجود آسیب‌جزیی ناشی از رطوبتی که بر بالای برگ‌های آن وارد آمده، حکایت از تدابیر لازم در گذر زمان برای نگهداری و حفاظت آن دارد، نیز بر اهمیت نسخه می‌افزاید.

۷- آیین نگارش تاریخی

در بررسی نسخه این نتیجه حاصل می‌شود که کاتب از شیوه‌ای واحد برای ضبط برخی کلمات پیروی نکرده و گاه یک کلمه را با دو صورت نوشته است. ویژگی‌های نگارشی به کار رفته در این نسخه عبارت است از:

- نقطه نداشتن برخی حروف و کلمات مانند: فیص (فیض)؛ جهان (جهان).

- به کار بردن حرف «پ» به جای «ب» مانند: پاک (باک) در این بیت:

گفتی که از فراقم سلطان چه پاک دارد بیدرد همچو خویشم پنداشتی و رفتی

(ص ۲۵)

- به کار بردن حرف «ج» به جای «چ» و «ک» به جای «گ» مانند: جون (چون)؛ هیچکه (هیچ‌گه)؛ کفت و کوی (گفت و گوی)؛ کشتن (گشتن)؛ مکر (مگر)؛ سک (سگ).



- آوردن «ب» بر سر کلمات مانند: بچار (به چهار)؛ بیدرد (بی درد)؛ بخصم (به خصم)؛ بجگر (به جگر)؛ بروز (به روز)؛ چکوم (چه گویم).

- تخفیف حروف مانند: زاتم (از ماتم)؛ زبخت (از بخت)؛ ازین (از این)؛ زحد (از حد) در این بیت:

افغان ازین عزا که غم و رنج و محنتش چون درد و زخم خورده کنعان زحد گذشت
(ص ۱۵)

- پیوستگی فعل «است» به کلمات قبل از خود و حذف «هاء» مانند: ماندست (مانده است)؛ کسست (کس است)؛ ماتمست (ماتم است) در این بیت:

آن دور ماتمست که از غم امان نماند آن عهد غم که طاقت و تاب و توان نماند
(ص ۱۶)

- سرهم نویسی کلمات و فعل‌ها مانند: یکزمان (یک زمان)؛ لبانرا (لبان را)؛ نمیرسد (نمی‌رسد).

- پیروی نکردن از شیوه واحد از سوی کاتب برای مد «آ» که در برخی موارد آن را رعایت کرده و در برخی موارد خیر، مانند: موارد رعایت شده: «آبروی»؛ مواردی که به دو گونه نوشته شده: «آه» که به صورت «اه» نیز آمده؛ موارد رعایت نشده مانند: انجا (آنجا)؛ آنچه (آنچه)؛ اکه (آگه)؛ ال (آل).

- حذف «الف» از آغاز کلمه که احتمالاً به تناسب و رعایت وزن شعر به دو صورت آمده است مانند: «افغان» در نمونه بیت پیشگفته (ص ۱۵) و صورت حذف شده «الف» آن در این بیت:

از بهر انتقام شهیدان کر بلا آه و فغان که مهلت دوران زحد گذشت
(ص ۱۵)

۸- محمد قطب شاه و فعالیت‌های ادبی او

مؤسس سلسله قطب‌شاهیان (حک: ۹۱۸-۱۰۹۸ ق)، سلطان قلی قطب‌الملک (حک: ۹۴-۹۱۸ ق) بود که برخی مورخان او را از ترکان بهارلو (نک: فرشته، ۱۳۹۳، ج ۳، ۵۱۴؛ هروی، ۱۹۳۱، ج ۳، ۸۱؛ خافی‌خان، ۱۹۲۵، ج ۳، ۳۶۸) دانسته‌اند (برای اختلاف و تفصیل در نسب او نک: شوشتری، ۱۳۰۹، ۱۰-۹؛ منشی قادرخان، ۱۳۰۶، ۴-۳). با وجود تنوع منابع در سلسله نسب این خاندان، آنچه همه این مورخان، به ویژه نهاوندی (۱۹۲۵، ج ۲، ۴۱۳-۴۱۲) بر آن اتفاق نظر دارند، محل تولد و رشد سلطان قلی در شهر همدان و قریه اسداباد است (نیز بنگرید: فرشته، ۱۳۹۳، ج ۳، ۵۱۴؛ شوشتری، ۱۳۰۹، ۹؛ بسطامی، بی‌تا، ۹۳).

محمد قطب شاه پسر میرزا محمد امین، ششمین پادشاه از همین سلسله پس از وفات عمو و پدر زنش محمد قلی قطب شاه



جانشین او شد (Majumdar, 1974, 648؛ هیگ، ۱۹۲۵، ۳۹۰؛ مقایسه کنید با: خافی‌خان، ۱۹۲۵، ج ۳، ۳۹۰ که به اشتباه او را فرزند محمدقلی قطب‌شاه دانسته است؛ زامباور، ۱۳۵۶، ۴۴۰ که در فهرست پادشاهان قطب‌شاهی از او نام نبرده است). با وجود تلاش‌های محمد قطب‌شاه برای آرامش و ثبات، او ناملازمات سیاسی و پستی و بلندهایی را تجربه کرد که بیشتر آن در روابط او با جهانگیر باری (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ق) بود (برای تفصیل نک: کامگار حسینی، ۱۹۷۸، ۲۴۵؛ خافی‌خان، ۱۹۲۵، ج ۳، ۳۹۰) و همین دغدغه‌ها بعدها در اشعار او نیز بازتاب یافت.

زندگی محمد قطب‌شاه کوتاه بود و او در ۱۰۳۵ق زمانی که ۳۴ سالگی را پشت سر نهاده بود، درگذشت و شیخ محمد علامی فهامی مصرع زیر که نشان از علاقه این پادشاه به خاندان پیامبر داشت در ماده تاریخ او سرود: «حشرش به علی ابن ابیطالب باد» (منشی قادرخان، ۱۳۰۶ق، ۳۱).

توجه سلاطین قطب‌شاهی به فرهنگ و به‌ویژه زبان و ادب فارسی از همان آغاز تشکیل این سلسله سبب شد تا زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و دیوانی دربار در آید. حسن روابط سلاطین قطب‌شاهی با صفویان و تأثیر آنها از فرهنگ و تمدن ایرانی در این دوره به گونه‌ای بود که پس از ساخت شهر نو بنیان حیدرآباد این شهر به "صفاهان نوین" شهرت یافت و میر محمد مؤمن استرآبادی نیز شعری در این باره سرود (انصاری، بی‌تا: شش-هشت؛ رضیه اکبر، ۱۳۵۲، ۱۸۰).

در چنین فضای فرهنگی بود که محمد قطب‌شاه پا به عرصه جهان نهاد و از کودکی تحت نظر استادان و مربیان صاحب نام آموزش دید. منشی قادرخان (۱۳۰۶ق، ۲۹-۳۰) ذکاوت بسیار و طبع او را ستوده و صاعدی شیرازی نیز ضمن تأکید بر علم و آگاهی او به علوم عقلی و نقلی، اشراف او به علم تاریخ را بلند مرتبه دانسته است (بی‌تا، ۱۰).

بعدها این آموزش‌ها در شکل‌گیری شخصیت فرهنگی و سیاسی محمد قطب‌شاه تأثیر به‌سزایی گذاشت. او از دوستداران علم و دانش و ادب و هنر بود و از همنشینی و مراودت با بزرگان و مشاهیر علوم مختلف لذت می‌برد و با برگزاری مجالس و محافل آنها را در دربار خود گرد می‌آورد (صاعدی شیرازی، بی‌تا: همان‌جا). محمد قطب‌شاه که ذوق شعر نیز داشت با تخلص «ظل‌الله» و «سلطان» به فارسی شعر می‌سرود (نک: محمد قطب‌شاه، برگ ۳۷-۲۹؛ صاعدی شیرازی، بی‌تا، ۱۰؛ بسطامی، بی‌تا، ۱۰۴-۱۰۱). گرچه او از تخلص «معانی» نیز در شعر اردو استفاده کرده اما فقط یک شعر نسبتاً بلند به زبان دکنی را به او نسبت داده اند ((Sherwani, 1974, 401).

مضامین اشعار محمد قطب‌شاه در این نسخه بیشتر مرثیه در واقعه کربلا، در وصف خاندان اهل بیت و ابیات عاشقانه و عرفانی است. با بررسی محتوای مرثیه‌ها، به خوبی قابل مشاهده است که اعتقادات مذهبی و شیفتگی او به خاندان پیامبر و زنده نگه داشتن مراسم عزاداری امام حسین (ع) که از همان آغاز در قلمرو قطب‌شاهیان به گونه مفصل برگزار می‌شد، در مرثیه‌های او بازتاب عمیق داشته است. گفتنی است محمد قطب‌شاه با شعر حافظ و دیوان او نیز آشنا بوده و در اشعارش تضمین به شعر حافظ مشهود است (نک: رضوی، ۱۳۵۷ق، ۶۸).



۹- نکاتی در تصحیح ابیاتی از نسخه

به منظور آشنایی خوانندگان علاقمند به شعر فارسی این دوره از دکن و سروده‌های محمد قطب شاه، ابیاتی از این نسخه گزیده و پس از تصحیح انتقادی ارائه شده است.

با توجه به منحصر به فرد بودن این نسخه و افتادگی‌های برخی اشعار یا جابجایی برخی ابیات در تصحیح و برای مقایسه و مقابله اشعار تنها راه چاره کمک گرفتن از منابعی بود که در این باره اطلاعات دست اولی را در اختیار می‌گذاشتند. به همین منظور نخست کلام الملوک نوشته میر سعادت علی رضوی که در بخشی از کتاب خود (نک: رضوی، ۱۳۵۷ ق، ۱۱۲-۵۷) گزیده‌ای از سروده‌های محمد قطب شاه را که شامل مرثیه و مضامین عاشقانه هستند، آورده و سپس از حدایق السلاطین فی کلام الخواقین نگاشته علی بن طیفور بسطامی استفاده شد. همچنین برای اطمینان بیشتر و موارد اختلاف احتمالی، به تذکره‌ها یا تاریخ‌های این دوره نیز که ابیاتی از این شاعر را آورده بودند، مراجعه و در صورت استفاده از این منابع برای هر مورد مشخص، در پانویس همان صفحه ارجاع داده شده است.

نکته دیگر اینکه در تصحیح ابیات تلاش شد تا از هرگونه دخل و تصرفی در کلمات پرهیز و شیوه نگارش تاریخی نسخه حفظ شود اما در یک مورد که کلمه‌ای در میان شعر افتادگی داشت، با توجه به وزن آن و استناد به تکرار کلمه مورد نظر در بیتی دیگر و با ذکر مورد در پانویس، از سوی مصحح جایگزین کلمه افتاده شد. سخن آخر اینکه در تصحیح اشعار ذیل اختصار "ن" برای نسخه اصل؛ «رضوی» برای اشعار مندرج در کلام الملوک و «ح» برای گزیده اشعار حدایق السلاطین تعیین شده است.

۱۰- نمونه‌ای از اشعار نسخه

در مرثیه حضرت اطام همام حضرت امام حسین علیه افضل و افضل الصلوات^۱

(بند اول)^۲

آمد محرم و غم دل بر ملاست باز	در دهر شور و زلزله کربلاست باز
آگه ز حال عالم بالا نیم ولی	دور فلک چو حلقه ماتم سراسر باز
شادی و خرمی همه بر یک کنار شد	دوران درد و غصه و رنج و بلاست باز
تاج مرصع از سر شاهان شد دست دور	پیراهن تحمل ازین غم قباست باز
اورنگ خسروی ز میان بر کنار شد	بر جای تخت پادشهی بوریاست باز
بر جان مصطفی است دگر صد هزار درد	صد گونه غم نصیب دل مرتضاست باز

^۱. رضوی: مرثیه شهدای کربلا.

^۲. ن: ندارد.



ایام رنج و محنت خیرالنساست باز
بر دل فضای جمله جهان تنگاست باز
در چنگ صد هزار الم مبتلاست باز

هنگام ماتم همه ارض و سماست باز^۱
در ماتمی چنین غم و محنت عجب مدار

خیر البشر به صد غم و دردست زین عزا
دشوار شد نفس زدن از درد این عزا
آن کس که هیچ‌گه خبرش از غمی نبود

ظل الله این الم نه همین شد نصیب ما
ز اهل و سما و ارض مصیبت عجب مدار

(بند دوم)^۲

هنگام آه و ناله و ماتم رسیده است
بر چرخ بس که آه دمام رسیده است
صد درد و غم به دل ز پی هم رسیده است
کم نیست ماتمی که به عالم رسیده است
در خورد آن مصیبت اعظم رسیده است
ننگی که از یزید بر آدم رسیده است
زین واقعه زمین همه را غم رسیده است
آثار آب دیده به زمزم رسیده است
نسبت به حال حصه ما کم رسیده است
تاب سخن نموده ز بس غم رسیده است
شرمی که فتنه تو بجای عجب رسید

دوران غم ز ماه محرم رسیده است
نزدیک شد که دود برآید ز نه فلک
آه و فغان دل ز پی هم عجب مدار
گر روزگار زیر و زبر گشته دور نیست
آل رسول را عظمت‌ها که داده حق
روز جزا عجب که برآرد ز خاک سر
از بحر اگرچه روی زمین جمله نم نیافت
گویا که از ملائکه ساکن حرم
داریم صد جهان غم ازین^۳ ماتم و هنوز
ظل الله از مصیبت سلطان کربلا
ای چرخ از تو رنج و بلای عجب رسید

(بند سوم)^۴

رنج و بلای شاه شهیدان ز حد گذشت

وا حسرتا که فتنه دوران ز حد گذشت

^۱ ن: از اینجا تا " یارب بجان فشانی... " را ندارد و از رضوی (۱۳۵۷ق، ص ۹۳-۱۰۶) آمده است.
^۲ ن: بند دوم در میان ابیات دیگر (ص، ۱۳-۱۰) آمده که بر اساس متن رضوی (۱۳۵۷ق، ص ۶۵-۶۴) به اینجا منتقل شد.
^۳ رضوی: از این.
^۴ ن: ندارد. این بند در میان ابیات دیگر آمده و بر اساس اشعار مندرج در رضوی به اینجا منتقل شد.



بیداد اهل فتنه و طغیان ز حد گذشت
در بحر غم شکنجه طوفان ز حد گذشت
تفسندگی سینه سوزان ز حد گذشت
کز موج خیز دیده گریان ز حد گذشت
لب تشنگی چشمه حیوان ز حد گذشت
چون درد و زخم خورده کنعان ز حد گذشت

آه و فغان که مهلت دوران^۲ ز حد گذشت
آشفتگی حال و پریشان ز حد گذشت

از کفر چون مصایب ایمان ز حد گذشت
عمریست در مصیبت ایمان نشسته‌ایم

آن عهد غم که طاقت و تاب و توان نماند
از شهدهای عیش به عالم نشان نماند
در عهد ماتمی که سر سروران نماند
بی سوز و گریه یک نفس و یک زمان نماند
یک لمحہ خالی از الم بیکران نماند
فارغ دمی ز نوحه و آه و فغان نماند
بی دیده‌های غرقه به خون آسمان نماند
لذت ز زندگانی پیر و جوان نماند

وا حسرتا که بر شه دنیا و دین حسین
کشتی شکستگان ز جان دست شسته را
لب تشنگان بادیه پُر سموم را
طوفان نوح خواست^۱ دوران عجب مدار
در دشت کربلا ز لب تشنه حسین
افغان ازین عزا که غم و رنج و محتنش

از بهر انتقام شهیدان کربلا
ما را ز ماتم و شه دین را ز دشمنان

ظل‌الله^۳ ظهور ز مهدی امیدوار
ما کز فلک بدیده گریان نشسته‌ایم

(بند چهارم)^۴

آن دور ماتمست که از غم امان نماند
آن روزگار تلخ که هر چند بنگری
آشفتگی دهر ز ماتم عجب مدار
عهد مصیبتی است که شاه پیمبران
دوران محنتی است که سلطان اولیا
آن صعب ماتمست که خیر النسا از آن
ایام ماتمی است که شبهاش تا به روز
پیر و جوان دهر چو طفلان به گریه‌اند

^۱. ن: خواسته.

^۲. رضوی: یزدان.

^۳. رضوی: ظل‌الله.

^۴. ن: ندارد.



از زندگی خلق جهان در تعجبم
ظل‌الله آنچه گفت ازین قصه شمه‌ایست
تا دهر هست دست و گریبان این غم راست

بعد از چنان قضیه که جان جهان نماند^۱
کز سوز و درد قدرت شرح و بیان نماند
این غم نه همچو باقی غم‌های عالم است

(بند پنجم)

در کربلا هجوم بلا را نظر کنید
در پرده هر چه دل...^۲
بر حلق تشنه از دم تیغ آب داده‌اند
آل رسول را به اسیری همی برند
احوال اهل بیت پس از حضرت امام
ننگی که از یزید به اسلام آمده است
دریا ز سوز تشنه لبان تلخ و شور شد
قتل امام را سبب کام کرده‌اند
ظلم یزدیان جفا کیش بی حیا
ظل‌الله آنچه گفت یکی از هزار نیست
از شومی یزد سگ آن نجس بد فعال

جمعیت بلا همه یک جا نظر کنید
خس پوش ظلم گنبد مینا نظر کنید
احوال دوستان خدا را نظر کنید
شرم و حیا و فتنه‌گریها نظر کنید
چون باشد از شماتت اعدا نظر کنید
صد طعنه از یهود و نصاری نظر کنید
بر تلخ و شور گشتن دریا نظر کنید
بر آرزوی شوم و تمنا نظر کنید
با صد هزار لعن مهیا نظر کنید
باقی برین قیاس سراپا نظر کنید
ماتم نگر که کهنه نشد در هزار سال

(بند ششم)^۳

ناکام شد امام و شدش خصم کامکار
آل نبی به صد الم و رنج مبتلا
عالم چنان بر آل نبی تیره شد که نیست
آه و فغان که تشنه لبان را نمی‌رسد
آه از دمی که خویش و عزیزان خویش را

آه و فغان ز بوالعجبی‌های روزگار
آل یزد خرم و خوش با صد افتخار
امید روشنی مگر از آه پر شرار
آبی ز روزگار به جز تیغ آبدار
مغلوب خصم دید شه دین و^۴ خوار و زار

^۱ ن: دو بیت بعد را ندارد.

^۲ افتادگی دارد.

^۳ ن: ندارد.

^۴ رضوی: «و» ندارد.



نسبت به خصم دوست یکی بود و آن هزار
هست آن مثل جواب که ناراست به ز عار
خاک سیاه بر سر او باد و اعتذار
در دشت کربلا بنگر چون شد آشکار
ای دوستان هشت و چهار و ده و چهار
محکم کنید دین خود از لعنت یزید
چو ظل‌الله این ره نه همودی^۱

آه از دمی که چون شه دین خصم و دوست دید
گوید اگر کسی که نبایست حرب کرد
می‌گفته عذر واقعه کربلا یزید
کفر صریح قوم لعین یزیدیان
از لعن آن گروه تسلی کنید دل
ارکان دین شکسته شد از نکبت یزید
نبودی ره عشق اگر شاه راه

(بند هفتم)^۲

داغ ماتم در دل و در دیده‌ها غم تازه شد
تا محرم آمد و آشوب و ماتم تازه شد
از محرم تا غم و اندوه عالم تازه شد
مصطفی و مرتضی را محنت و غم تازه شد
درد و اندوه دل عیسی و مریم تازه شد
محنت و غم در دل ما از پی هم تازه شد
اندرین مه بهر ما هم غم دمام تازه شد
لاله زار داغ دل‌ها این چنین کم تازه شد
زین غم بیحد که در دل هر محرم تازه شد

شد محرم باز و ما را داغ ماتم تازه شد
غلغل هفت آسمان در گوش جانم می‌رسد
بهر جان ما غم جان سوز عالم عالم است
حضرت خیرالنساء را دم بدم سوز نوی است
از غم شاه رسل و زمحنت خیرالنساء
از پی هم چون رسید اندوه غم در کربلا
چون نصیب کربلا غم‌ها دمام بوده است
غرق خون بینم سراسر داغ دل‌ها زین عزا
همچون ظل‌الله شادیهاست در حشرم امید

(بند هشتم)

یارب به شاه بی سر و سامان کربلا
از سوز و داغ بی حد و پایان کربلا
از درد و اضطراب عزیزان کربلا
در ماتم شهید بیابان کربلا

یارب بجان فشانی سلطان کربلا
یارب به سوز سینه تفسنده رسول
یارب به اضطراب دل شاه اولیاء
یارب به اشک و دیده خونبار فاطمه

^۱. رضوی: این بیت را ندارد.

^۲. ن: اشعار این بند را ندارد.



کو را رسیده زهر نو از خون کربلا
صاحب عزای واله و حیران کربلا
و آن قوم غرقه گشته طوفان کربلا
روزی که هست پرسش دیوان کربلا^۱
حشرش نما به جمع خاصان کربلا
او را جدا مساز به سلطان کربلا
بر ما نظری نمای که داریم وا حسین^۲

یارب به زهرکشته شهید بلا حسن
یارب به حق زین عباد^۱ آن شه اسیر
یارب به آن شهان و دگر هشت غیرشان
کز لطف جرم جمله محبانشان بخش
ظل الله آنکه نسبت خاصش به کربلاست
ز ان قوم بی حساب به جنت روندگان
یارب به کشته گشته تیغ بلا حسین

رباعیات

در خورد تو توحید که دارد یارا
شد جرأت این بیان دلکش ما را

ای درگه تو سجده گه شاه و گدا
از امر مطاع قل هو الله احد

(ص، ۲۵)

روزی که ز نیک و بد سزا خواهد داد
کز لطف کریمانه جزا خواهد داد

ایضا
هر چند که حق داد عطا خواهد داد
در عرصه میار آنچه لثیمانه^۴ بود

(ص، ۲۶)

دردی ز فسونگر و طبیبان چه اثر

ایضا
نیشی که ز مار عشق خوردم به جگر
جایی که از آنجا به من این نیش رسید

ایضا

^۱ ن: زین العباد.

^۲ ن: از اینجا به بعد تا پایان بند را ندارد.

^۳ ابیات این هشت بند بجز مواردی که از رضوی (۱۳۵۷ق) به اینجا منتقل شد، در نسخه (ص، ۳۴-۶) آمده است.

^۴ نسخه: لیمانه



آنجاست مرا دوا و افسون یک سر

(ص ۲۶-۲۷)

خوش روشنی یافت ازین سوز و گداز
گرمست همان قصه محمود و ایاز

(ص، ۲۷)

وز مرحمتش عدو گدازی داریم

(ص، ۲۸)

یار اگر با ما نسازد ما به او خواهیم ساخت
کار صلح خویش با آن جنگجو خواهیم ساخت
صدف خود با خلافتش روبرو خواهیم ساخت
خاک پایش دستگاه ابرو خواهیم ساخت
گر نسازی کار او باری بگو خواهیم ساخت
شرمسارش از نماز و از وضو خواهیم ساخت
زین نسیم چین جهان را مشکبو خواهیم ساخت

(ص، ۳۲-۳۳)

محمود چو از ایاز شد گرم نیاز
بین فیض محبت که پس از چندین قرن

ایضا

از دوست اگرچه دلنوازی داریم

ایضا

خوش شوای دل خوش که کارت را نکو خواهیم ساخت
صلح‌جویی‌های ما چون از سر صدق و صفاست
از خلاف مدعی گر صدف ما ظاهر نشد
آبروی ما اگر بر خاک راه دوست ریخت
ناامید از خود مکن دل را پس از چندین امید
از نیاز خویش زاهد را اگر آگه کنیم
گفت‌وگویی زلف او داریم سلطان در میان



نتیجه‌گیری

نسخه‌ای منحصر به فرد در ۱۹ برگ (۳۸ صفحه) که در فهرس کتابشناسی از آن بنام «دیوان ظل‌الله» یاد شده، از محمد قطب شاه به یادگار مانده که با شماره ثبت ۶۱۷۸۸ و شماره بازیابی ۲۴۵۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. بررسی انجام شده بر روی مَه‌ری که بر صفحه پیش از آغاز زده شده، نشان می‌دهد برخلاف آنچه در فهرست مجلس شاعر این اثر را محمدقلی قطب‌شاه معرفی کرده، نام محمد قطب‌شاه یعنی سراینده این گزیده که جانشین محمد قلی قطب‌شاه بود بر این مَه‌ر کاملاً قابل مشاهده است.

در خصوص عنوان نیز به نظر می‌رسد با توجه به حجم کم نسخه و تعداد محدود اشعار آن و با توجه به دیگر اشعار پراکنده این شاعر که در منابع تاریخی و تذکره‌ها آمده، اطلاق عنوان «دیوان» بر این نسخه صحیح نیست و مناسب‌تر آنست که آن را گزیده‌ای از اشعار محمد قطب‌شاه یا همان ظل‌الله بدانیم.

دست‌نوشته صفحه پیش از آغاز نسخه که به گمان بسیار توسط مالک آن نوشته شده و تاریخ ۱۰۲۸ ق را دارد، نشان می‌دهد که این نسخه در دوره پادشاهی محمدقطب‌شاه کتابت شده و بنابراین به لحاظ قدمت بسیار ارزشمند است. همچنین یادداشت‌های مالک پیشین نسخه این احتمال را به وجود می‌آورد که این اثر از دکن به ایران و مشهد منتقل شده باشد. عامل دیگری که این حدس را تقویت می‌کند سلامت نسبی نسخه از لحاظ آسیب‌های جغرافیایی، آب و هوایی و زیان حشرات است که نسخ موجود در کتابخانه‌های شبه‌قاره از آن در امان نیستند، در حالی که با وجود رطوبتی که آثار آن بر برخی برگ‌ها قابل مشاهده است، این نسخه در شرایط مناسبی نگهداری و حفاظت شده است.

به لحاظ محتوای اشعار نیز مرثیه‌های آن حکایت از اعتقادات عمیق مذهبی شاعر و تأثیر او از شاعران دوره صفوی در ایران دارد. نکته قابل توجه دیگر زبان فارسی است که شاعر با وجود تبار ترک خود و تبحرش به زبان دکنی، برای سرایش این اشعار برگزیده که این خود می‌تواند نشان دهنده جایگاه زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی در دکن باشد.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان در زیر ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

منابع

فارسی

- انصاری، شریف‌النساء (بی تا)، مقدمه بر حدایق السلاطین فی کلام الخواقین (نک: پس از این).



- بسطامی، علی بن طیفور (بی‌تا)، حدایق السلاطین فی کلام الخواقین، تصحیح شریف النساء انصاری، حیدرآباد، دانشگاه عثمانیه.
- خافی‌خان، محمد هاشم خان نظام‌الملکی (۱۹۲۵)، منتخب اللباب، ج ۳، به اهتمام سرولزلی هیگ، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله.
- راستکار، فخری (۱۳۴۷)، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای ملی.
- رضوی، میر سعادت علی (۱۳۵۷ق)، کلام‌الملوک، حیدرآباد دکن: مجلس اشاعات دکن محفوظات.
- رضیه اکبر (۱۳۵۲)، "نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو قطب‌شاهی (جنوب هند)"، وحید، شماره دوم، دوره یازدهم، صص: ۱۷۹-۱۸۹.
- زامباور (۱۳۵۶)، نسب‌نامه خلفا و شهریاران، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: کتابفروشی خیام.
- شوشتری، میر ابوالقاسم رضی‌الدین ابن نورالدین موسوی (۱۳۰۹ق)، حدیقه‌العالم، به کوشش سید عبدالطیف شیرازی، حیدرآباد دکن: مطبع سیدی.
- سجادی، سیدصادق (۱۳۹۸)، دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- صاعدی شیرازی، میرزا نظام‌الدین احمد ابن عبدالله (۱۹۶۱)، حدیقه السلاطین، به تصحیح و تحشیه علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد دکن: سلسله مطبوعات اداره ادبیات اردو.
- فرشته، محمد قاسم هندوشاه (۱۳۹۳)، تاریخ فرشته، به کوشش محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قانعی، سعید (۱۳۹۳)، به جای مقدمه، دیوان محتشم کاشانی، به کوشش سعید قانعی، تهران، پیمان.
- کامگار حسینی، خواجه (۱۹۷۸)، مآثر جهانگیری، مقدمه و حواشی و تعلیقات عدرا علوی، علی گده: خانه آسیا.
- محتشم کاشانی، مولانا کمال‌الدین علی (۱۳۹۳)، دیوان محتشم کاشانی، به کوشش سعید قانعی، تهران، پیمان.
- محمد قطب‌شاه، (نسخه خطی)، دیوان ظل‌الله، شماره ۲۴۵۸، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مجاهدی (پروانه)، محمدعلی (۱۳۸۶)، کاروان شعر عاشورا، قم، زمزم هدایت.
- منشی قادرخان (۱۳۰۶ق)، تاریخ قطب‌شاهی، به اهتمام سید برهان‌الدین احمد، حیدرآباد دکن: مطبع برهانیه.
- نوایی، عبدالحسین و مه‌ری صدری (۱۳۸۰)، مقدمه بر هفت دیوان محتشم کاشانی، تهران، میراث مکتوب.
- زهاوندی، عبدالباقی (۱۹۲۵)، مآثر رحیمی، تصحیح محمد هدایت حسین، کلکته: آسیاتیک سوسایتی بنگاله.



- هروی، نظام‌الدین احمد (۱۹۳۱)، طبقات اکبری، به کوشش بی‌دی و محمد هدایت حسین، بنگال: آسیاتیک سوساییتی بنگال.
- هیگ، ولزلی، پانویس، منتخب‌اللباب (بنگرید به: همین منابع: خافی خان)

لاتین

- Majumdar .R.C, (1974), *The Mughul Empire*, Bombay : Bharatiya Vidya Bhavan.
- Sherwani, Haroon Khan (1974), *History of the Qutb Shahi Dynasty*, New Delhi : Munshiram Manoharlat Publishers & Pvt. Ltd.

پیوست‌ها - تصاویر نسخه خطی



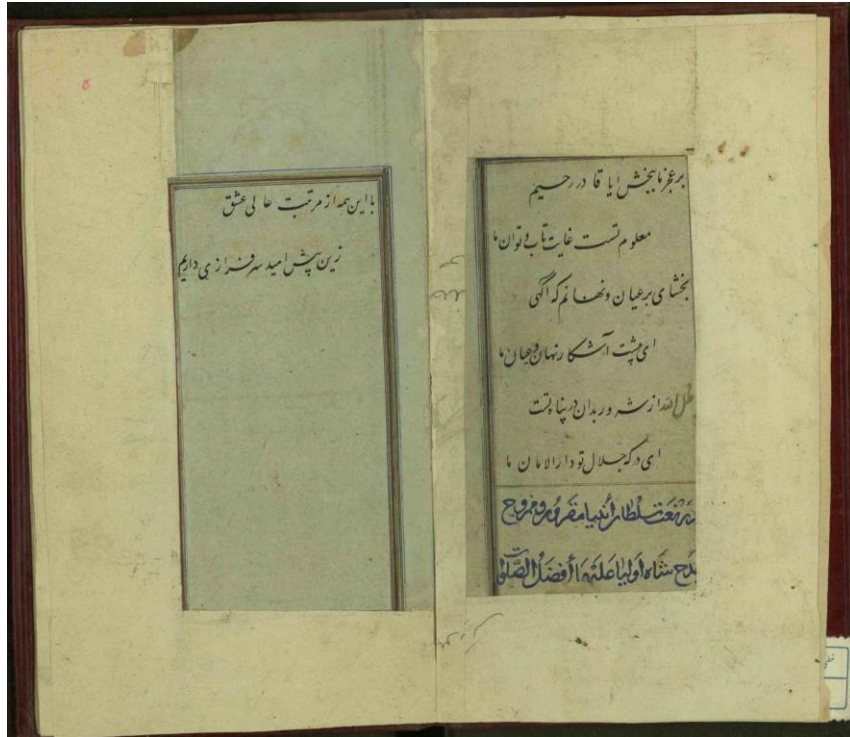
آغاز نسخه



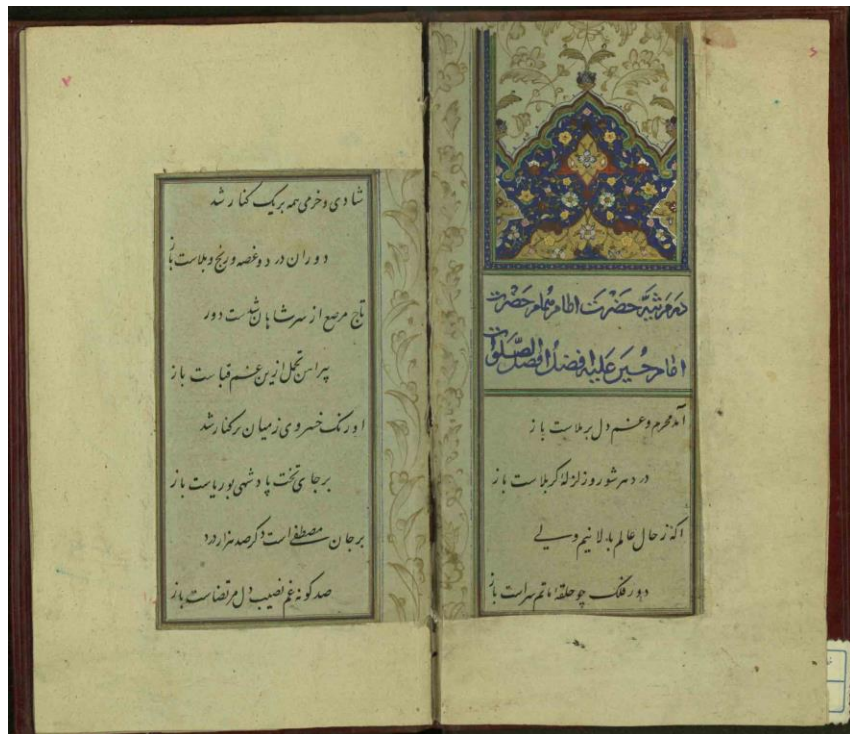
مطالعات

مقالات علمی

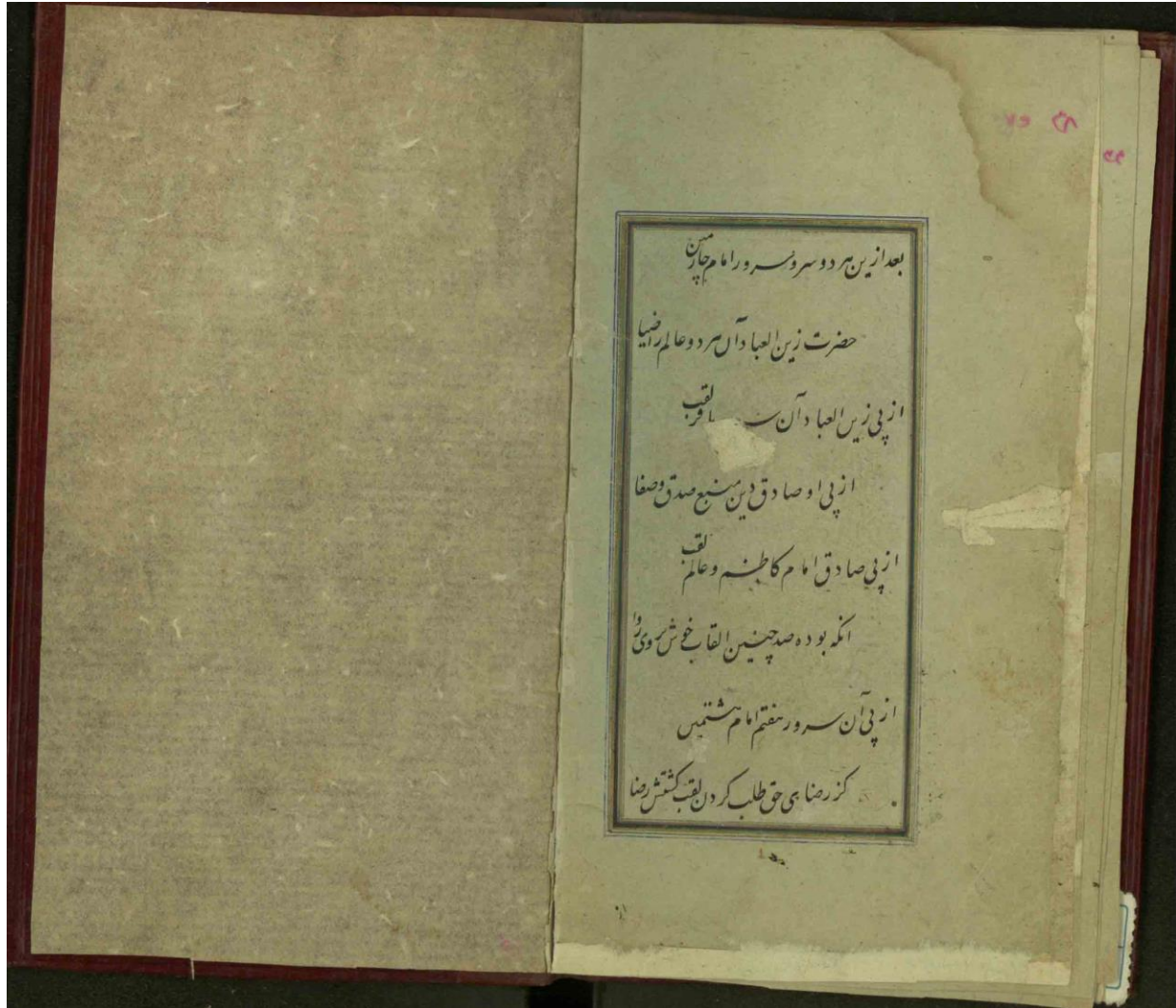
اخبار و گزارشها



نمونه ترمیم نسخه و افتادگی بیت‌ها



نمونه تذهیب نسخه



خاتمه نسخه